



وقتی بچه‌ها انگیزه ندارند



عادل رمضانی پور، معلم، منطقه کوجصفهان، گیلان

← شناخت و تحلیل سطوح انگیزش دانش‌آموزان و اینکه چگونه برای یادگیری برانگیخته می‌شوند، به‌موجب اثربخشی بیشتر فعالیت‌های یاددهی، یادگیری ضرورت دارد و برای ایجاد شرایط تجربه موفقیت آنان ارزشمند است. برانگیختن دانش‌آموز از آن نظر برای معلم حائز اهمیت است که وسیله‌ای برای پیشرفت تکالیف یادگیری محسوب می‌شود. به یقین هر معلمی می‌داند که یادگیری کانون اصلی آموزش و پرورش است. اما دانش‌آموزان در چه شرایطی برای یادگیری برانگیخته خواهند شد؟ در این نوشتار بر آنیم که نقش عوامل مرتبط با انگیزش در یادگیری را بررسی کنیم.

ایجاد رویکرد یادگیری مشارکتی

انگیزه مهم‌ترین و اولین شرط یادگیری و پلی ارتباطی بین یادگیری و عملکرد است. در واقع، انگیزش نیروی به حرکت درآورنده فعالیت است که می‌تواند یادگیری دانش‌آموزان را به حداکثر برساند. دانش‌آموزان فاقد انگیزه، نه‌تنها برای یادگیری تلاشی از خود بروز نمی‌دهند، بلکه ممکن است شرایط بی‌توجهی و مزاحمت برای سایر دانش‌آموزان کلاس را نیز ایجاد کنند. قطعاً موفقیت هر معلم در کار تدریس، به استعدادش برای برانگیختن دانش‌آموزان به یادگیری وابسته است. دانش‌آموزانی که برای تکالیف یادگیری سعی نمی‌کنند، برای اهدافی غیر از اهداف یادگیری برانگیخته شده‌اند.

بود. رویکردهای یادگیری مشارکتی و درگیری دانش‌آموزان به‌صورت آگاهانه و همکارانه در فعالیت‌های یادگیری، بر انگیزه درونی آن‌ها می‌افزاید و به لذت‌بردن آن‌ها از انجام فعالیت‌ها کمک می‌کند. در این صورت است که دانش‌آموزان به اهداف بالاتر و موفقیتی بیشتر در یادگیری دست می‌یابند.

هم‌سو بودن اهداف معلمان و والدین و دانش‌آموزان

نقش معلم و مؤثر بودن او در رشد و ایجاد انگیزش در کلاس درس غیرقابل انکار است. انگیزه‌های دانش‌آموزان در فعالیت‌های یادگیری به‌طور قوی تحت تأثیر اهداف و ارزش‌هایی هستند که معلم، البته با مشارکت

بیشتر مشکلات انگیزشی دانش‌آموزان در کلاس درس به‌صورت تلاش کم، بی‌توجهی، حالت‌های اضطراب و نداشتن اعتمادبه‌نفس خود را نمایان می‌کنند. بدین معنی، هرچه انگیزه یادگیرنده برای یادگیری و آموختن بیشتر باشد، او برای یادگیری تلاش و فعالیت بیشتری می‌کند.

البته محیط‌های رقابتی در کلاس درس عموماً بر انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان آثار زیان‌باری دارند. رقابت نه‌تنها دامنه یادگیری را کم می‌کند، بلکه می‌تواند بر اضطراب باختن نیز بیفزاید. بنابراین، هرچقدر دانش‌آموزان از رقابت افراطی در کلاس دور و در تکالیف گروهی مشارکت کنند، جو کلاس مثبت‌تر و سازنده‌تر خواهد

والدین، آن‌ها را تعیین و دستکاری می‌کند. احساس نیاز به پیشرفت، خودکارآمدی و خودتوانمندی در یادگیری را می‌توان از مؤلفه‌های انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان در نظر گرفت. هم‌جهت بودن این هدف‌ها در انگیزش و یادگیری بین معلم، والدین و دانش‌آموز، در ایجاد انگیزش برای یادگیری در فراگیرندگان اهمیت‌تعیین‌کننده دارد. ارتباط دوسویه بین والدین و معلم در رابطه با برنامه‌های مدرسه، پیشرفت دانش‌آموزان و فراهم کردن شرایطی در خانه برای حمایت از یادگیری و علاقه‌های دانش‌آموزان، در انگیزه پیشرفت آنان مؤثر است و هر چه خانواده در فعالیت‌های تحصیلی نظارت و کنترل بیشتری داشته باشد و در فرایند یادگیری فراگیرندگان درگیر شود، فرزندان انگیزه بیشتری برای پیشرفت خواهند داشت. ایجاد انتظارات مثبت در دانش‌آموزان، به خاطر انجام کوشش‌های مداوم و متناسب با توانایی، علاقه و رضایت‌خاطر، برای آنان فرصتی فراهم خواهد آورد که گام‌به‌گام به سمت موفقیت در یادگیری حرکت کنند.

افزایش انگیزش درونی دانش‌آموزان

یادگیری بدون تلاش ایجاد نخواهد شد. با انگیزه کردن فراگیرندگان، راهی است برای تولید روحیه تلاش در آنان. یادگیری اگر به‌صورت بیرونی برانگیخته‌شده باشد، فقط به یادگیری طوطی‌وار ختم خواهد شد. این در حالی است که اگر دانش‌آموزان با انگیزه‌های درونی برانگیخته شوند، غرق یادگیری می‌شوند، درک مفهومی بیشتری از تکالیف را با توجه، تمرکز و اشتیاق تجربه خواهند کرد و از یادگیری خود احساس لذت، کارآمدی و ارزشمندی خواهند داشت.

متأسفانه بیشتر دانش‌آموزان با انگیزش درونی به مدرسه نمی‌آیند. به همین دلیل است که کوشش‌های آنان برای موفقیت در تحصیل اندک است. با توجه به ارتباط انگیزش با سن، عمده فعالیت‌های پرورشی معلم باید به سمتی حرکت کند که دانش‌آموزان

به تدریج از توجه به انگیزه‌های بیرونی به سمت انگیزه‌های درونی هدایت شوند. انگیزش درونی به مفهوم ارزشمندی خود تکلیف در نزد دانش‌آموز است و به علاقه و تمایل درونی او برای یادگیری اشاره دارد. بدین دلیل، شرایط کلاس درس باید به گونه‌ای همراه با ایمنی و نظم، انگیزش درونی را افزایش و اضطراب را کاهش دهد. اگرچه باید کنجکاوی دانش‌آموزان برانگیخته و به آنان اطمینان داده شود دانشی که کسب می‌کنند مفید است. چنانچه معلم فعالیت‌های آموزشی را با گرمی و هم‌حسی، به فرهنگ و تجربه‌های جاری و روزمره آنان ربط دهد، انگیزش درونی آنان افزایش خواهد یافت. بالابردن سطح رفتار ورودی شناختی فراگیرندگان، ارتقای کیفیت آموزش، ارائه مطالب با سطح چالشی مناسب از آسان به دشوار، از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد انگیزش درونی دانش‌آموزان خواهند بود. استفاده از تحسین و بازخورد بجا که متناسب و وابسته به عملکرد است، می‌تواند نقش مشوق و ایجاد انگیزه درونی داشته باشد. علاقه دانش‌آموزان نسبت به فعالیت‌های یادگیری، با کنترل کمتر معلم، حق انتخاب بیشتر دانش‌آموز و توجه به رویکردهای همیاری در کلاس، افزایش خواهد یافت. بدین ترتیب، اگر دانش‌آموزان تکالیف یادگیری را با موفقیت تجربه کنند، به تدریج بر علاقه‌شان نسبت به یادگیری درس‌ها افزوده می‌شود و از توانایی‌های خود نسبت به یادگیری و کسب موفقیت و پیشرفت تحصیلی تصویری مثبت‌تر خواهند داشت.



تا انگیزه نباشد، هیچ دانش‌آموزی یاد نخواهد گرفت. به‌یقین، موفقیت معلم در ایجاد انگیزه برای فعالیت‌های یادگیری وابسته است. برانگیختن برای یادگیری به‌موجب دور کردن کلاس از جو رقابتی به رفقای و همدلی و ایجاد یادگیری مشارکتی به شکلی آگاهانه نسبت به اهداف درسی، در شرایطی که

دانش‌آموزان با هم در فرایند یادگیری درگیر و مسئول یادگیری خود باشند، ایجاد خواهد شد و انگیزش قوی به یادگیری پایدار ختم خواهد شد. هم‌جهت بودن اهداف معلمان، والدین و دانش‌آموزان، اهمیت‌تعیین‌کننده در سطح انگیزش دانش‌آموزان در یادگیری دارد. به‌طوری که هرچه والدین، به‌واسطه ارتباط با مدرسه، از اهداف یادگیری و علاقه‌های دانش‌آموزان آگاه‌تر باشند، سطح انگیزش پیشرفت در آنان بیشتر خواهد شد. چنانچه عمده فعالیت‌های معلم به سمتی حرکت کند که دانش‌آموزان به تدریج از توجه به انگیزه‌های بیرونی به سمت انگیزه‌های درونی هدایت شوند، احساس شایستگی، خشنودی و لذت درونی از انجام فعالیت یادگیری در دانش‌آموزان ایجاد خواهد شد. انگیزش فقط برای ترغیب دانش‌آموزان به فعالیت‌های یادگیری اهمیت ندارد. دانش‌آموزانی که برای آموختن انگیزه دارند، برای یادگرفتن و جذب کردن آن از فرایندهای شناختی عالی‌تری استفاده می‌کنند. تکلیف مهم معلم آن است که بداند چگونه برای حمایت از انگیزش دانش‌آموزان برنامه‌ریزی و برای ایجاد تجربه موفقیت در آنان پی‌ریزی کند. ■

منابع

۱. حسن‌زاده، حسین؛ مهدی‌نژاد گرچی، کلین. (۱۳۹۳). نظریه‌های انگیزش در آموزش و پرورش. روان. تهران.
۲. کارشکنی، حسن؛ محسنی، نیکچهره. (۱۳۹۴). انگیزش در یادگیری و آموزش نظریه‌ها و کاربردها. آوای نور. تهران.
۳. زارع، حسین. (۱۳۹۲). روانشناسی یادگیری. پیام نور. تهران.
۴. پارسا، محمد. (۱۳۹۱). انگیزش و هیجان. پیام نور. تهران.
۵. السون، ام‌اچ؛ هرگنهان بی، آر. (۲۰۰۹). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. ترجمه علی‌اکبر سیف. دوران. تهران. ۱۳۹۳.
۶. پروین، کدیور. (۱۳۸۷). روانشناسی تربیتی. سمت. تهران.
۷. مخبری، عادل. (۱۳۹۰). روانشناسی تربیتی. پوران پژوهش. تهران.
۸. شعبانی، حسن. (۱۳۹۰). مهارت‌های آموزشی و پرورشی. جلد اول. سمت. تهران.